

## تغییر عناصر جمله در فرایند ترجمه

دکتر حمید طاهری

دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

taheri\_x135@yahoo.com

غلامرضا زربان

دانش آموخته کارشناسی ارشد زبانشناسی

### چکیده

هدف مقاله حاضر نشان دادن آن دسته از تغییرات احتمالی زبان در فرآیند ترجمه از زبان انگلیسی به فارسی است. در همین راستا، دو متن، هر یک متشکل از حدود چهارده سطر ترجمه گردیده اند. متن شماره ۱ از کتاب "انسان و جهان پیرامونش" و متن شماره ۲ از پرده اول صحنه اول نمایشنامه "رومئو و ژولیت" اثر شکسپیر انتخاب شد. انگیزه این کار مطالعه رفتار زبانی - دستوری دو زبان مورد بحث در خلق ایده های ادبی و نیمه علمی یکسان بوده است. بعلاوه سعی گردید جهت نیل به مقصود از شیوه ی تحلیل مقابله ای استفاده شود. پس از مقایسه دقیق متن های اصلی با ترجمه های مربوط، تفاوت های قابل ملاحظه ای مشاهده گردید. این تفاوت ها به سه سطح عمده تقسیم شدند: ساختوازی، نحوی و معنایی. در پایان بر اساس و در محدوده متن های انتخاب شده، چنین نتیجه گرفته شد که در ضمن ترجمه یک متن انگلیسی به فارسی، رفتارهای زبانی متفاوتی را می توان در سطوح یاد شده مشاهده نمود.



### طرح مساله

شاید بتوان گفت حتی اگر آدمیان روی زمین تنها به دو زبان متفاوت تکلم می کردند، باز هم نیاز به ترجمه احساس می شد، چراکه امکان یادگیری هر دو زبان برای یکایک افراد جامعه وجود ندا شت. ازان حیث می توان ترجمه را یکی از نیازهای مبرم و فرهنگی جامعه به حساب آورد. بویژه هر چه از عمر بشر در عالم خاکی می گذرد، با گسترش روزافزون ارتباطات، احتیاج به تبادل آرا و افکار نیز تقویت می گردد. از جمله طرق نیل به این مقصود ترجمه است.

مترجم معانی و اندیشه ها و دستاوردهای علمی یک زبان را به زبان دیگر انتقال می دهد، لذا تسلط او بر دو زبان مبدا و مقصد، اساسی ترین رکن ترجمه است؛ زیرا او باید جان اندیشه و کلام را از جملات و متن زبان مبدا دریابد و در قالب جملات، عبارات، واژه ها و ساختار زبان مقصد بیان دارد. و از آن جا که ساختار زبان های مبدا و مقصد عمدتاً متفاوت است، در فرآیند ترجمه تغییرات و اتفاقاتی پدید خواهد آمد. بنابراین ناروا نیست اگر بگوییم ترجمه یعنی اجتماع اندیشه و هنر. هر مترجم ناگزیر است برای ترجمه خود واحدی قائل باشد که این واحد بسته به نوع متن، میزان دانش مترجم، قرابت یا بیگانگی دو زبان از هم و هدف ترجمه می تواند از سطح واژه شروع شود و به پاراگراف برسد.

ترجمه می تواند از واژه شروع شود و به متن برسد. برخی واحد ترجمه را جمله می دانند و برخی دیگر پاراگراف یابند. به نظر می رسد هیچ یک از این دو دیدگاه را نه می توان بطور کامل پذیرفت و نه رد کرد، چراکه در قسمتی از متن، جمله واحدی کارآمد و کافی برای ترجمه است و در قسمتی دیگر کارآمد نیست. ترجمه ی جمله خارج از بافت چیزی است و داخل بافت چیزی دیگر. یکی از مواردی که برای ترجمه به واحدی بزرگتر از واحد جمله احساس نیاز می شود، متن ادبی است، زیرا که پردازش معانی در آنها اغلب بر پایه تداعی معانی صورت می گیرد و عنصر تخیل در آنها پررنگتر است. به همین خاطر گاه دامنه ی معنی یک واژه گسترش و گاه کاهش می یابد. پی بردن به این امر جبراً در سایه بافت امکان پذیر است.

در پژوهشی که پیش رودارید تغییرات متعددی که در ترجمه ی یک متن انگلیسی به فارسی ممکن است پدید می آید، نموده است. از آن جا که زبان فارسی زبانی صرفی است و محور همنشینی آزادی دارد ساخت همنشینی گروه های جملات انگلیسی بسیار

اندک دچار تغییر و جابه جایی می شود و تغییر در این سطح به طور عمده برای روان سازی جملات و افزایش سرعت انتقال معانی است.

تغییرات عمده در بررسی این دوزبان منحصر به ساخت گروه ها و طبقات تشکیل دهنده ی جملات است. همچنین تغییرات ساختواژه و معنا بسیار قابل توجه و دقت نظر می باشد.

شیوه ی تحقیق در این مقاله تو صیف است، لذا قطعاً ادعایی در آن وجود ندارد جزاین که این تلاش توازنه با شد زمینه انجام تحقیقات دقیقتر و وسیعتری را ایجاد کند. متن های انتخابی به فارسی روان برگردانده شده اند و تغییرات حاصل با علم به دستور و ساخت زبان فارسی نموده شده اند.

این مقاله بر اساس برگردان یک متن نیمه علمی - نیمه عمومی و یک متن ادبی تهیه شده است. انتخاب متن ها بنا به علاقه شخصی بوده است. در متن نخست به دلیل نیمه علمی - نیمه عمومی بودن آن، جایی برای تخیل پردازی نیست و در متن دوم نیز بواسطه قرار داشتن آن در نقطه آغازین نمایش، هنوز کلام آن طور که باید به سمت و سوی شاعرانگی میل نکرده است. از این رو، جمله واحدی کافی برای ترجمه فرض شده است.

بررسی عناصر مشمول تغییر در سه سطح ساختواژی، نحوی و معنا انجام یافته است. هر جا سخن از متن (۱) به میان آمده است منظور متنی است که مربوط به "نژادشناسی" است و هر کجا سخن از متن (۲) به میان آمده است، منظور متن برگرفته از "رومئو و ژولیت" است.

آنچه در این مقاله مد نظر است، آن است که هنگام ترجمه یک متن از زبان مبدا به زبان مقصد چه تغییراتی در زبان ایجاد می شود. این تغییرات ناشی از اختلاف ساختمانی دو زبان است. همچنین تفاوت زبان ها در حیطه ی معنا نیز سبب این تغییرات می شوند. این مقاله نشان می دهد که مترجم باید بر ساخت و ویژگیهای دو زبان تسلط داشته باشد و حوزه تغییرات را بخوبی بشناسد.

در ترجمه هر دو محور همنشینی و جانشینی زبان مبدا ممکن است دچار تحول شود. بدیهی است هر چه زبانهای مبدا و مقصد بیگانه تر باشند و از خانواده و شاخه ی متفاوت باشند، تغییرات متنوعتر و متعددتر خواهند بود. در موضوع ارایه شده در این پژوهش تحقیقات مستقل و متکی به متن بادامنه ی محدود صورت نگرفته است و تحقیقاتی در اختلالات و خلاء های یادگیری زبان دوم ارایه گردیده است از جمله می توان به تلاش های (الر/۱۹۷۰)، (وارد هو/۱۹۷۰)، (ضیاحسینی ۱۹۷۰)، (لادو ۱۹۷۷) و (محمدحسین کشاورز/۱۹۹۳) اشاره کرد. حال به بررسی تغییرات یاد شده بتفصیل می پردازیم:

## ۱. تغییرات ساختواژی: چهارمین همایش ملی آموزش زبان فارسی - ۱۳۹۹

### ۱-۱ کاهش ساختارهای متعدد و متنوع واژگانی

در زبان انگلیسی برای ساختن صفت تفضیلی و عالی با توجه به یک یا چند هجایی بودن صفت مورد نظر، به دو گونه متفاوت عمل می شود (۱):

#### الف) الگوی ساخت صفت تفضیلی

در مورد صفت های یک هجایی از الگوی er + صفت و برای صفت های چند هجایی از الگوی صفت + more استفاده می شود..

#### ب) الگوی ساخت صفت عالی:

برای صفت های یک هجایی از الگوی est + صفت + the و صفت های چند هجایی از صفت the + most استفاده می شود.

در حالی که در زبان فارسی صرف نظر از تعداد هجاها، همگی صفات برای تبدیل به صفت تفضیلی پسوند " تر " و برای تبدیل به صفت عالی پسوند " ترین " می گیرند.

more modern

مدرن تر ( متن ۱ ، جمله ۷ )

weaker

ضعیف تر ( متن ۲ ، سطر ۲ )

## ۲-۱ تبدیل و جایگزینی نوعی تکواژ ( از آزاد به وابسته )

مقصود از تکواژ آزاد " ریشه هایی است که می توانند مستقلاً در جمله ظاهر گردند ". ( ۲ ) و مراد از تکواژ وابسته " تکواژی است که هرگز نمی تواند به دروساخت جمله ظاهر شوند، بلکه باید به همراه تکواژ دیگری بیاید ". ( ۳ ) با استناد به تعاریف فوق می توان ادعا کرد تکواژهایی که در مثال های متعاقب زیر آنها خط کشیده شده است، در انگلیسی از نوع آزاد بوده و هنگام ترجمه به فارسی تغییری ایستایی ( ۴ ) داده به وابسته مبدل می شوند. این تحول در دو مورد اتفاق افتاده است:

الف ( تغییر نوعی در تکواژ محدود کننده / e :

<b>conditions of climate</b>	شرایط آب و هوایی ( متن ۱ ، جمله ۶ )
<b>groups of people</b>	گروه مردم ( متن ۱ ، جمله ۶ )
<b>parts of the earth</b>	قسمت های زمین ( متن ۱ ، جمله ۷ )

در تمامی مثال ها مشاهده می شود نقش **of** در عبارت انگلیسی معادل نقش کسره در عبارت ترجمه شده فارسی است، با این تفاوت که در عبارت انگلیسی تکواژ مربوط از نوع آزاد و در عبارت ترجمه شده از نوع وابسته است.

ب) قابلیت تغییر نوعی در تکواژ بیانگر مالکیت:

این تکواژ نیز در انگلیسی از نوع آزاد است که در ضمن ترجمه به فارسی به صورت اختیاری می تواند در شکل آزاد یا وابسته ظاهر گردد.



**their heads**

سر آنها - سرشان ( متن ۲ ، سطر ۲۲ )

ملاحظه می گردد زبان فارسی قابلیت استفاده از هر دو شکل آزاد و وابسته تکواژ مالکیت را دارد، اما انگلیسی تنها شکل آزاد آن را تولید می کند.

## ۳-۱ حذف تکواژ معرفه ساز

زبان انگلیسی دارای تکواژی است که نشانگر اسم شناسا از ناشناس است و آن را برای مخاطب تعریف می کند. اما در فارسی معیار، چنین تکوازی وجود ندارد. ( ۵ ) به همین دلیل است که در ترجمه زیر جای تکواژ معرفه ساز " the " در معادل فارسی آن خالی می ماند:

مردم جهان مدرن ( متن ۱ ، جمله ۱ ) **the people of the modern world**

مشاهده می شود در ترجمه فارسی تکواژی معادل با " the " وجود ندارد، بلکه در زبان فارسی اگر اسم بدون تکواژ نشانه نکره بیاید، معرفه خواهد بود.

## ۴-۱ تبدیل و تغییر واحدی زبان

گاهی برای ترجمه لفظ به لفظ نمی توان معادل مناسبی یافت، به همین خاطر ساخت واژه مورد نظر شکسته شده و برای انتقال مفهوم مورد نظر از چند واژه استفاده می شود. این امر در این جا تبدیل و تغییر واحدی زبان نامیده شده است. در مثال های زیر مفاهیم مورد نظر از واحد واژه خارج شده به واحد عبارت انتقال یافته اند:

با تنوع نژادی زیاد ( متن ۱ ، جمله ۱ ) **cosmopolitan**

*adapted*

جهت انطباق با ( متن ۱ ، جمله ۶ )

ملاحظه می گردد در مثال های فوق واحد جمله در زبان مبدا و واژه اما در زبان مقصد ارتقا پیدا کرده به سطح عبارت رسیده است. در غالب فرهنگ لغت هایی که مورد مطالعه قرار گرفته اند، واژه cosmopolitan به " جهانی، وابسته به همه جای جهان " ترجمه شده است. ( ۶ و ۷ ) اما هیچ یک از این ترجمه ها، معنایی در خور متن ارائه نکرده اند و در بافت جمله ناموزون می نمایند.

#### ۱-۵ کاهش شمار ضمائر نقش بنیاد

در زبان انگلیسی برای نشان دادن تمایز فاعلی یا مفعولی بودن یک ضمیر از دو صورت متفاوت استفاده می شود. در فارسی برای هر دو حالت یاد شده تنها از یک صورت واژی استفاده می شود ( البته این امر در ضمائر منفصل و ناپیوسته اتفاق می افتد، حال آن که در ضمائر متصل برای فاعلی صورتی و برای مفعولی صورت دیگری بکار می رود).

me → من ( متن ۲ ، سطر ۷ )  
 the → تو ( متن ۲ ، سطر ۱۲ )  
 I → من ( متن ۲ ، سطر ۵ )  
 thou → تو ( متن ۲ ، سطر ۶ )

در مثال های انگلیسی تغییر نقش ضمیر همراه با تغییر شکل است اما در مثال های فارسی با ورود تکواژ جدید " را " است.



#### ۱-۶ تغییر الگوی صرفی

از لحاظ رده شناسی ( typology ) معمولاً زبانها را به سه دسته عمده تقسیم می کنند ( ۸ ) :

الف ( زبان های تحلیلی )  
 در این گونه زبان ها واژه ها به صورت جدا از هم و بدون تغییر نوشته می شوند و ترتیب با هم آیی آن ها مبین نقش آن ها می باشد.

ب ( زبان های تصریفی )  
 در این گونه زبانها هر واژه حاوی بطور متوسط بیش از یک تکواژ است، که البته رابطه یک به یکی بین واژه ها و تکواژهای مربوط نیست.

www.anjomanfarsi.ir

#### پ ( زبانهای پیوندی )

در این گونه زبانها هر واژه حاوی بیش از یک تکواژ است، اما بین واژه ها و تکواژها رابطه ای یک به یک وجود دارد. با توجه به این که " مرز مسلمی بین رده های مختلف زبانی وجود ندارد " ( ۹ ) می توان گفت اکثر زبانها به نسبت از این ویژگی بهره جسته اند، لیکن هر زبانی یکی از این ویژگی ها را به صورت غالب و بارز داراست. طبیعتاً این امر در واژه سازی نیز می تواند جایگاهی برای طرح پیدا کند. به عنوان مثال ممکن است یک زبان در ساخت واژه ها از یک الگو پیروی کند و زبان دیگر در ساخت همان واژه از الگوی دیگر.

در زبان انگلیسی صورت جمع بعضی از اسامی همراه با تغییر واکه درونی آنها است، به عبارت دیگر از ویژگی تصریفی بودن زبان استفاده می گردد. اما زبان فارسی امکان استفاده از این ویژگی را در جمع بستن اسامی ندارد ( ۱۰ ) و اگرچه " زبان فارسی جدید یکی از تحلیلی ترین زبانهای هندواروپایی است " ( ۱۱ ) مع الوصف در جاهایی هم از توان پیوندی خود بهره می گیرد. از نمونه های به کار گیری این توان می توان به جمع بستن اسامی با استفاده از تکواژگونه ی " ها " و " ان " در پایان واژه های مفرد اشاره کرد:

men → مرد ها ( متن ۲ ، سطر ۱۶ )  
 women → زن ها ( متن ۲ ، سطر ۱۴ )

چگونگی رابطه بین نمود انتزاعی و مادی تکواژها را ذیلاً می توان مشاهده کرد ( ۱۲ ) :

[ + جاندار، + انسان، + مذکر، + بزرگسال، + جمع ]	نمود انتزاعی:
men	نمود مادی:
[ + جاندار، + انسان، + مذکر، + بزرگسال ] + [ + جمع ]	نمود انتزاعی:
↓ ↓ مرد	

### ۷-۱ الحاق شناسه

در زبان انگلیسی به استثنای سوم شخص مفرد در زمان حال، در بقیه زمانها و اشخاص، فعل جهت انطباق با فاعل شناسه خاصی را نمی پذیرد. اما در زبان فارسی به این منظور، در تمامی زمانها، فعل، شناسه مخصوص به خود می گیرد. لذا هنگام ترجمه به فارسی، ( به استثناء مواردی خاص از جمله احترام و رعایت ادب که الگوی آن در دستگاه مطابقت زبان فارسی مذکور است ) به افعال شناسه پایانی اضافه می شود. به همین دلیل است که در زبان فارسی دو نهاد می تواند برای یک جمله ذکر شود؛ یکی اجباری و دیگری اختیاری. نهاد اجباری همان شناسه یا پی بند است و نهاد اختیاری همان اسم یا ضمیری است که طبقه ی نهاد را اشغال می کند.

**if you stood**

**anthropologists speak of**

**I strike quickly**

اگر بایستید ( متن ۱ ، جمله ۱ )

انسان شناسان ... تقسیم می کنند ( متن ۱ ، جمله ۲ )

به آنی آتش می گیرم ( متن ۲ ، سطر ۵ )

### ۸-۱ حذف تطابق عدد و معدود

در زبان انگلیسی صفت شمارشی مفرد با اسم مفرد و صفت شمارشی جمع با اسم جمع به کار می رود. اما در زبان فارسی تطابق عدد و معدود از این لحاظ وجود ندارد. به دیگر سخن، چه صفت شمارشی مفرد باشد و چه جمع، با آن معدود مفرد به کار می رود. وجه مذکور چه مؤنث باشد، به صورت مذکر به کار می رود:

**three major races**

**three distinct groups**

سه نژاد عمده ( متن ۱ ، جمله ۲ )

سه گروه متمایز ( متن ۱ ، جمله ۳ )

[www.anjomanfarsi.ir](http://www.anjomanfarsi.ir)

ملاحظه می گردد در مثال های انگلیسی به واسطه جمع بودن صفت شمارشی اسم به کار رفته نیز جمع است، اما در معادل های فارسی علیرغم جمع بودن صفت شمارشی، معدود مفرد به کار رفته است.

### ۱-۹ تقلیل الگوی ساختی در ترکیب اضافی

" در زبان فارسی، ترکیب اضافی دارای اقسامی است: اضافه توضیحی، اضافه تخصیصی، اضافه ملکی و ... " (۱۳) . زبان فارسی نوین برای ساخت تمامی آنها از یک الگوی واحد استفاده می کند:

هسته + + وابسته

تشخیص نوعی ترکیب به دست آمده ظاهراً تنها از طریق ارتباط معانی و در بافت ( context ) ممکن است. اما زبان انگلیسی برای ساخت معادل هر یک از آنها غالباً از الگوی متفاوت استفاده می کند:

معادل انگلیسی	نوع اضافه	اضافه ترکیبی
The door of the car	تخصیصی	در اتومبیل
The history book	توضیحی	کتاب تاریخ
Ali's book	ملکی	کتاب علی
His book		کتاب او

**human family**

**their heads**

**Montague's men**

خانواده ی انسانی ( متن ۱ ، جمله ۵ )

سر آنها ( متن ۲ ، سطر ۲۲ )

مردانِ مونتگ ( متن ۲ ، سطر ۱۶ )

ملاحظه می گردد اگرچه زبان انگلیسی برای تولید معادل اضافه های زبان فارسی از ساخت های مختلفی استفاده می کند، اما در مقابل زبان فارسی از یک الگو استفاده می نماید.

## ۲. تغییرات نحوی

### ۱-۲ الگوی نحوی غالب در جمله

مطابق آنچه که شاید تمامی زبانشناسان بر آن اتفاق نظر داشته باشند، تولید جملات در هر زبانی قاعده مند است و از الگوهای پیروی می کند. " جمله مجموعه بی سامانی از واژه ها نیست، بلکه همشینی واژه ها در آن تابع محدودیتها و قواعد ویژه ای است." ( ۱۴ ) زبان انگلیسی و فارسی هم از این قاعده مستثنی نیستند و با توجه به اینکه زبان انگلیسی در ساخت جملات خود از الگوی SVO ( ۱۵ ) و زبان فارسی از الگوی SOV پیروی می نماید، در ترجمه یک جمله از انگلیسی به فارسی یا برعکس، الگوی آن دستخوش تغییر می گردد. ( ۱۶ ) تقریباً در برگردان تمامی جملات، این تغییر مشاهده می شود و لذا می توان آن را عنصر واجد بیشترین تغییر دانست. در زبان فارسی ، در غالب موارد، فعل آخرین جایگاه را در الگوی تولید جملات اشغال می کند. اما در زبان انگلیسی اکثراً فعل از لحاظ ترتیبی جایگاه پس از نهاد را به خود اختصاص می دهد. البته باید افزود این جایگاه نه بلافصل و مطلق، بلکه گرایش مند است.

اگر مردم در حال عبور را تماشا کنید ( ۱۷ ) ( متن ۱ ، جمله ۹ ) *If you watched the passers-by*

بومیان آمریکایی که در آمریکا زندگی می کنند ( ۱۸ ) ( متن ۱ جمله ۱۱ ) *American Indians who live in America*

*I will cut of their heads*

سرشان را خواهم زد ( متن ۲ ، سطر ۲۲ )

### ۲-۲ قابلیت حذف نهاد

برخی از زبانها را **Pro-drop languages** می نامند، بدین معنا که می توان ضمیر در جایگاه نهاد را از جمله حذف کرد. زبان فارسی جزء این دسته از زبانها است. در مقابل برخی دیگر از این زبانها این قابلیت را ندارند و حضور نهاد در آنها اجباری است. این زبانها را **Non-pro-drop languages** می نامند. با توجه به تفاوت فارسی و انگلیسی از این دیدگاه، می توان تمامی ضمائر فاعلی را هنگام ترجمه از فارسی به انگلیسی از جمله حذف کرد.

*we'll draw swords*

دست به شمشیر می شویم ( متن ۲ ، سطر ۳ )

*you live*

زندگی می کنی ( ۱۹ ) ( متن ۲ ، سطر ۲ )

### ۲-۳ جایگاه صفت

بطور معمول در زبان فارسی صفت پس از موصوف خود می آید، اما در زبان انگلیسی عکس این قضیه صادق است. لذا در ترجمه جملات حاوی گروه اسمی با وابسته صفت، ترتیب قرار گرفتن صفت و موصوف در محور جمله دچار تغییر می شود:

*busy place*

جای شلوغ (متن ۱، جمله ۱)

*major races*

نژاد عمده (متن ۱، جمله ۲)

*weak slave*

آدم ضعیف (متن ۲، سطر ۱۲)

### ۲-۴ حذف توالی ثابت صفات در محور همنشینی

گاه ممکن است یک اسم دارای چندین صفت باشد، که زبان فارسی در این مورد ترتیب خاصی برای استفاده از صفات مربوط قائل نیست. اما زبان انگلیسی در این رابطه محدودیت پذیر است و برای هر صفتی بسته به نوع آن، جایگاه نسبتاً ثابتی دارد. معمولاً از الگوی زیر در این راستا استفاده می شود: (از چپ به راست)

صفت جنس + صفت ملیت + صفت رنگ + صفت کمیت + صفت کیفیت + صفت تعیین کننده

ساختمندی توالی صفات در زبان انگلیسی از یک طرف و عدم وجود ویژگی مربوط در فارسی از طرف دیگر موجب اختیاری شدن ترتیب استفاده از آنها در فارسی می گردد.

*straight black hair*

موهای سیاه و صاف - موهای صاف و سیاه (متن ۱، جمله ۹)

برای بیشتر روشن شدن مطلب به مثالی خارج از متن توجه شود:



*Yesterday, I bought an old small black bicycle.*

در حالیکه زبان انگلیسی در تولید جمله ای نظیر فوق، استفاده از صفت های مربوطه را تنها با این ترتیب مجاز می داند، زبان فارسی چنین محدودیت ترتیبی را اعمال نمی کند. بنابراین می توان جمله فوق را بدون پیدایش ناهنجاری دستوری و با جایجایی آزاد صفات به صورت های زیر تولید کرد:

الف) دیروز یک دوچرخه قدیمی کوچک سیاه رنگ خریدم. آموزش زبان فارسی - ۱۳۹۹

ب) ..... قدیمی سیاه رنگ کوچک خریدم.

پ) ..... کوچک قدیمی سیاه رنگ خریدم.

ت) ..... کوچک سیاه رنگ قدیمی خریدم.

ث) ..... سیاه رنگ کوچک قدیمی خریدم.

ج) ..... سیاه رنگ قدیمی کوچک خریدم.

### ۲-۵ افزایش تکواژ نقش نمای " را "

در زبان انگلیسی مفعول بودن یک اسم را تنها از روی جایگاه نحوی آن در جمله می توان تشخیص داد و تکواژ خاصی را نمی پذیرد که دال بر این امر باشد. اما در فارسی (که از این جهت چون اجداد باستانی خود زبانی صرفی است و همراه با نقش نما می آید) وجود تکواژ " را " معرفی مضاعف بر این قضیه است و به توالی واژه در محور همنشینی نیازی ندارد. به هر حال به دلیل این تفاوت نحوی، هنگام ترجمه جملات مفعول دار انگلیسی تکواژ نامبرده پس از مفعول ظاهر می گردد:

*and watched people* (۲۰)

مردم را تماشا کنید (متن ۱، جمله ۱)

احتمالاً بتوانید چندین نوع نژادی از مردم را تشخیص دهید (۲۱) (متن ۱، سطر ۲)

would recognize several major types of people

گردنت را از طوق آزاد کن ( متن ۲ ، سطر ۴ )

draw your neck out of collar

### ۶-۲ برگشت عنصر حذفی:

در زبان انگلیسی می توان با حذف فعل ربطی و حرف پیوند از ساختار بند موصولی، وجه وصفی تولید کرد. اما در ترجمه این گونه جملات به فارسی، فعل ربط و حرف پیوند مجدداً به زنجیره کلام بر می گردند:

called → which is called

که نامیده می شود ( متن ۱ ، جمله ۱۰ )

### ۲-۷. تقلیل و کاهش تکواژهای پیوندی

زبان انگلیسی در جمله واره های موصولی بر حسب نقش هسته در جمله وابسته ( ۲۲ ) از ضمائر موصولی مختلف با توجه به جدول زیر استفاده می کند:

ضمیر موصولی	برای	در حالت
who	انسان	فاعلی ( ۲۳ )
whom	انسان	مفعولی
which	غیر انسان	فاعلی و مفعولی
that	تمام موارد	تمام موارد



اما زبان فارسی به جای همگی آنها در کلیه نقش ها از حرف پیوند " که " استفاده می کند:

that ( متن ۱ ، جمله ۴ )

who ( متن ۱ ، جمله ۱۱ )

در همین خصوص دکتر محمد رضا باطنی می گوید:

" در فارسی ضمائر موصول به مفهوم انگلیسی وجود ندارد. در انگلیسی ضمیر موصول دو نقش را انجام می دهد: نقش ضمیر و ربط. در فارسی این دو نقش به وسیله دو عنصر مجزا ایفا می شود: نقش رابط به وسیله >> که << و نقش ضمیر به وسیله ضمائر شخصی. برای فارسی زبانان بسیار عادی است که این الگو را به انگلیسی منتقل کنند و از روی آن جملاتی از این دست را بسازند:

" This is the man that he lives here. ( ۲۴ )

به اعتقاد نگارنده اگر جمله فوق را ( A ) بنامیم به دو صورت ( B ) و ( C ) ترجمه نماییم، به نظر می رسد تولید جمله ( B ) از سوی یک فارسی زبان عجیب باشد:

( B ) : این مردی است که او این جا کار می کند.

( C ) : این مردی است که این جا کار می کند.

لذا احتمال تولید جمله ( C ) به مراتب بیشتر است. این امر نشان می دهد که اولاً: در فارسی " که " می تواند نقش رابط و ضمیر را همزمان ایفا کند، ثانیاً: علت تولید جمله ( A ) را از سوی یک فارسی زبان باید در چیز دیگری جستجو کرد. احتمالاً آن را بتوان اینطور توجیه کرد:

فردی که دارد زبان انگلیسی را به عنوان یک زبان خارجی می آموزد، مستقیم یا غیر مستقیم این را فهمیده است که در زبان انگلیسی نمی توان نهاد را حذف کرد. یعنی اگرچه زبان فارسی وی را بین گفتن " من می روم " و " می روم " مختار می گذارد اما زبان انگلیسی این اختیار را از او گرفته و تنها مجاز به تولید صورت اول می

کند: I go



لذا تحت تأثیر تعمیم فرامرز ( overgeneralization ) قاعده مربوط را به کل زبان تعمیم داده جمله ای نظیر ( A ) را تولید می کند.

### ۸-۲ حذف تطابق اسم و صفت اشاره

در زبان انگلیسی چنانچه اسمی مفرد باشد، صفت اشاره به کار رفته با آن نیز می باید مفرد و چنانچه اسم جمع باشد صفت اشاره به کار رفته با آن می باید لزوماً جمع باشد. به عبارت دیگر بین اسم و صفت اشاره از جهت شمار تطابق وجود دارد. در حالیکه در زبان فارسی امروز این تطابق وجود ندارد.

*this group*

این گروه ( متن ۱ ، جمله ۱۱ )

*these groups*

این گروه ها ( متن ۱ ، جمله ۷ )

ملاحظه می شود در ترجمه از انگلیسی به فارسی صرف نظر از مفرد یا جمع بودن اسم، صفت اشاره ای در هر حال به صورت مفرد به کار می رود. لذا تطابق اسم و صفت اشاره ای از ساختار نحوی کلام حذف می شود.

### ۳. تغییرات معنا شناختی

در سطح معنا نیز هنگام ترجمه تغییراتی ایجاد می شود. از جمله:

#### ۱-۳ تغییر در واژ یا تکواژهای اصطلاح ساز

می دانیم " معنای یک اصطلاح را نمی توان از کنار هم گذاشتن ترجمه تک تک و لفظ به لفظ واژه های سازنده آن به دست آورد ( ۲۵ ) . به همین دلیل ممکن است زبان فارسی برای اصطلاحی معادل با اصطلاح موجود در زبان مورد بحث، از پایه واژگانی متفاوتی استفاده کند. همین امر باعث تغییر و گزینش واژه های جدیدی برای ساخت اصطلاح معادل می گردد:

*on my word  
carry coals*

شرط می بندم، به شرفم ( متن ۲ ، سطر ۲ )  
بارمان نکنند ( متن ۲ ، سطر ۲ )

چنانچه در اصطلاح فوق به جای هر واژه معادل لفظی آن را بگذاریم، به هیچ وجه معنای آن منتقل نمی گردد، مگر با ایجاد تغییرات لازم.

#### ۲-۳ انتقال به واحد

در سطح معنا شناختی نیز مانند ساخت واژی، گاه پیش می آید که برای القای مفهوم مورد نظر، مترجم ناچار می گردد از واحدی بزرگتر استفاده کند.

*on my word*

شرط می بندم ( متن ۲ ، سطر ۲ )

در مثال فوق، ترجمه لفظ به لفظ و با حفظ واحد " روی کلمه ام، روی حرفم " خواهد بود که پر واضح است نمی تواند منتقل کننده معنی لازم باشد، لذا پایه های واژگانی دچار تغییر می شود و واحد مربوط نیز از عبارت در زبان مبدأ به جمله در زبان مقصد تغییر می یابد.

#### ۳-۳ جانشین کردن ساختار مترادف

در مواردی ممکن است ترجمه یک جمله مغایرتی با دستور زبان مقصد پیدا نکند، اما اثر بیگانگی در آن مشاهده شود، یعنی زبان مقصد برای القای همان مفاهیم از واژگان و همایی دیگری استفاده کند.

Anthropologists speak of three major races of man (متن ۱، جمله ۲)

ترجمه معمول:

انسان شناسان از سه نژاد عمده از انسان صحبت می کنند.

ترجمه با استفاده از جانشینی ساختار مترادف:

انسان شناسان نژاد بشر را به سه تیره عمده تقسیم می کنند.

### ۳-۴ تبدیل مقوله جمع به مفرد:

ممکن است یک واژه در یک زبان همیشه به صورت جمع یا همیشه به صورت مفرد بیاید، اما همان واژه در زبان دیگر به صورت های عکس یا هر دو صورت موجود باشد.

" واژه های *trousers* و *scissors* در انگلیسی همیشه جمع هستند و با فعل جمع به کار می روند در حالیکه واژه های قرینه آنها به ترتیب *قیچی* و *شلوار* در فارسی صورت مفرد دارند ". (۲۵) اینکه چرا فارسی قیچی را به صورت مفرد به کار می برد و انگلیسی جمع، سخنی به میان نیامده است. در حالت دیگر، هم در زبان انگلیسی و هم در زبان فارسی، صورت جمع و مفرد یک واژه موجود است اما در مورد برخی از واژه ها در یک موقعیت واحد یکی صورت جمع واژه را به کار می برد و دیگری صورت مفرد آن را. گمان می رود این اختلاف علتی معنا شناختی داشته باشد، علتی که شاید بتوان آن را تحت عنوان **زاویه بیان** مطرح نمود. بدین معنا که زبان الف در بیان یک واقعه بخشی از آن را مستقیم یا غیر مستقیم برجسته نشان می دهد و زبان ب در بیان همان واقعه بخش دیگری را!

سرخان را خواهم زد (متن ۲ ف سطر ۲۲) *I will cut off their heads*

جمله فوق در زبان انگلیسی ظاهراً از این زاویه و واقعیت ضمنی تولید گردیده است که نمی توان افراد مختلف را به منزله پیکرهای متفاوتی در نظر آورد که دارای یک " سر " باشند! به عبارت دیگر زبان انگلیسی برای بدیهی شمردن یک واقعیت خارجی از رد نمودار فرضی زیر در ذهن سخنگویان خود بهره می گیرد:

پایگاه اسنادی علوم جهان اسلام  
انجمن علمی زبان ادبی فارسی  
IRAN KHOMENI INTERNATIONAL UNIVERSITY

... X Y Z ...

چهارمین همایش ملی آموزش زبان فارسی - ۱۳۹۹

زبان فارسی برای بیان همان واقعیت خارجی از زاویه ضمنی دیگری استفاده می کند: هر پیکر دارای تنها یک " سر " است و نه بیشتر! به بیان دیگر وجود نمودار فرضی زیر را در ذهن سخنگویان خود رد می کند:

... Ω Ω Ω ...

X

البته رد یک نمودار فرضی در ذهن سخنگویان هر یک از این دو زبان نباید به منزله قبول نمودار فرضی دیگر به شمار رود. واضح است که هر طور یک رخداد خارجی را بیان نماییم در اصل واقعه تغییری ایجاد نخواهد شد و اگر تفاوتی هم در کار باشد صرفاً در میزان و نحوه تأثیر آن بر شنونده است. به هر حال هر دو زبان گزارشگر یک حادثه واحد هستند و اصل رخداد را می توان به سکه ای تشبیه کرد که زبان انگلیسی در یک رو و زبان فارسی در روی دیگر آن قرار دارد. نظیر تفاوت در زاویه بیان را می توان در مثال زیر نیز مشاهده کرد:

سامپسون و گرگوری با سپر و شمشیر وارد می شوند (متن ۲، تیترا)

Enter Sampson and Gregory, with swords and bucklers

### ۳-۵ دلالت زمانی

گاه هنگام ترجمه یک جمله جهت انطباق با سیستم زمانی زبان دیگر، زمان جمله مربوط تغییر می کند. البته این امر لزوماً بدین معنا نیست که زبان دیگر فاقد زمان مورد نظر است، بلکه می تواند شهادی بر این مطلب باشد که سخنگویان آن زبان در مورد خاص از زمان دیگر بهره می جویند. شاید دلیل آن را بتوان در قالب حوزه زمانی بیان کرد. به همین دلیل جمله زیر را که ماضی نقلی استمراری است می توان به دو صورت ترجمه کرد:

( متن ۱ ، جمله ۷ )  
 ... have been intermixing

الف ( ماضی نقلی ساده): مختلط شده اند

ب ( مضارع): مختلط می شوند

ظاهراً در مثال بالا زبان فارسی مقوله استمرار را حشو دانسته، از رو ساخت کلام حذف می گرداند.

### نتیجه

آنچه از این پژوهش می توان نتیجه گرفت، این است که زبان ها از نظر قواعد معنایی، آوایی، واژگانی و نحوی با یکدیگر تفاوت دارند؛ حتی اگر از یک خانواده وهم پیوند باشند؛ ولی ممکن است این تفاوت ها بسیار و یا اندک باشند. زبان فارسی از آن دسته زبان هایی است که ساخت نحوی آن صرفی است و از نظر آوایی محدودیت هایی و توانش های خاصی نسبت به زبان هایی چون انگلیسی دارد. این زبان در چینش آوایی، خوشه صامت آغازی ندارد؛ در حالی که این قاعده آوایی یکی از قاعده های پر بسامد در زبان انگلیسی است. در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان باید به ویژگی های زبان فارسی در حوزه نحو، آوا، ساختار و معنا توجه داشت تا یادگیری بر مبنایی درست استوار گردد. در ترجمه - که امروزه نهضتی بزرگ و بسیار مهم تلقی می شود و نقش مرکزی در حوزه ادبیات تطبیقی و مطالعات میان رشته ای دارد - از هر زبان مبدای بخواهیم به مقصد زبان فارسی متنی را ترجمه کنیم، تغییراتی در این چرخه در محور هم نشینی و ساختار و معنا و آوا، ایجاد می شود که دانستن آن در ترجمه و بویژه آموزش زبان فارسی بسیار مهم است.

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

IRAN KHOMENI  
INTERNATIONAL UNIVERSITY

پانوشته علمی زبان ادبی فارسی

۱. در مقام استثنا باید افزود برخی از دو هجائی ها بطور مشروط از قاعده مربوط خارج می گردند.

۲. فرانسیس کتوبا، صفحات ۵۶ و ۵۹.

۳. ریچاردز و پلات، صفحه ۴۱. چهارمین همایش ملی آموزش زبان فارسی - ۱۳۹۹

۴. منظور از تغییر ایستایی انتقال از تکواژ آزاد به وابسته یا برعکس است. [www.anjomalfarsi.ir](http://www.anjomalfarsi.ir)

۵. معرفه بودن یک اسم در فارسی از روی نکره نبودن آن قابل استنتاج است، به عبارت دیگر بی نشانی نشان معرفه بودن است. این دو جمله را در نظر بگیرید: الف) مردی آمد. ب) مرد آمد. در جمله نخست تکواژ "ی" حاکی از نکره بودن مرد در نزد مخاطب و احتمالاً گوینده است. در جمله دوم، همینکه تکواژ یاد شده وجود ندارد یعنی نکره نیست، پس معرفه است. این همان گزاره ای است که در ریاضی به صورت  $\{p \sim pv\}$  نوشته می شود.

۶. ساعتچی، صفحه ۱۵۶.

۷. حییم، صفحه ۹۸.

۸. کریستال، صفحه ۴۷.

۹. ریچاردز و پلات، صفحه ۱۶۲.

۱۰. باید توجه داشت مطلب فوق صرفاً در مورد واژه های اصیل فارسی نوین صادق است و گرنه زبان فارسی در پیشینه خود این توان را داشته است. در واژه های دخیل نیز بعضاً این امر نقض می گردد.

۱۱. باقری، صفحه ۱۶۱.

۱۲. در اینجا بخاطر نمایش بهتر نمود انتزاعی تکواژ از مولفه های معنایی استفاده شده است.

۱۳. گیوی و انوری، صفحات ۱۲۷ و ۱۲۸.

۱۴. غلامعلی زاده، صفحه ۸.
۱۵. subject verb object (فاعل، فعل، مفعول)
۱۶. البته گاهی بخاطر تأکید بر پاره ای از اطلاعات، تخطی از الگوی مربوطه صورت می گیرد.
۱۷. لازم به ذکر است گاهی در مثال های یاد شده زمان یا برخی دیگر از عناصر موجود در جمله مبدأ ظاهراً بدون توجیه خاصی با معادل خود در جمله مقصد فرق می کند. این امر به دلیل خروج جمله از بافت صورت گرفته است و چنانچه به بافت آن رجوع گردد این ابهام رفع می گردد.
۱۸. باید اضافه نمود در این جمله تحت تأثیر گشتار حذف، American Indians از بخش دوم جمله حذف شده و سپس در اثر اعمال گشتار Wh-Insertion، who به جای آن وارد گردیده است.
۱۹. در بعضی از جملات به منظور اینکه ترجمه حد اکثر قرابت به فارسی را داشته باشد، تغییرات ساختی ایجاد شده است. لذا در ترجمه بافتی این جمله تغییر از ساخت جمله به ساخت عبارت انجام گرفته است.
۲۰. ممکن است این نکته به ذهن خطور کند که قبلاً گفته شد انگلیسی قابلیت حذف نهاد ندارد. پس حذف آن در این جمله چگونه توجیه می شود؟ در پاسخ باید گفت مراد حذف نهاد در جملات ساده است، والا در جملات مرکب یا پیچیده می توان نهاد را به قرینه لفظی حذف کرد. با این وصف می توان گفت قابلیت حذف نهاد در انگلیسی مشروط است اما در فارسی غیر مشروط.
۲۱. باید توجه داشت تکواژ مفعول نما الزاماً پس از مفعول نمی آید، بلکه گاه مانند این مثال بواسطه استفاده از post modifier (وابسته پسین) بین آنها فاصله می افتد.
۲۲. اصطلاحات این بند از کتاب ساخت زبان، تألیف دکتر خسرو غلامعلی زاده اقتباس گردیده است.
۲۳. در موقعیت های غیر رسمی از ضمیر موصولی who نیز می توان بهره جست.
۲۴. وثوقی، صفحات ۸۵ و ۸۶.

#### منابع و مآخذ

- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری، دستور زبان فارسی، ج ۲، انتشارات فاطمی، تهران، ۱۳۶۷.
- باطنی، محمد رضا، نگاهی تازه به دستور زبان، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۱.
- \_\_\_\_\_، پیرامون زبان و زبانشناسی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۱.
- \_\_\_\_\_، زبان و تفکر، انتشارات زمان، تهران، ۱۳۴۹.
- باقری، مهری، تاریخ زبان فارسی، انتشارات نشر قطره، تهران، ۱۳۸۰.
- حییم، سلیمان، فرهنگ معاصر انگلیسی به فارسی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۸.
- ساعتچی، محمد، فرهنگ دانشگاهی یاد و راه، انتشارات هما، تهران، ۱۳۷۲.
- سعیدیان، عبدالحسین، مردمان جهان، انتشارات سعیدیان، تهران، ۱۳۷۳.
- عاصی، مصطفی و محمد عبد علی، واژگان گزیده زبانشناسی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵.
- غلامعلی، خسرو، ساخت زبان فارسی، انتشارات احیاء کتاب، تهران، ۱۳۸۰.
- وثوقی، حسین، مقالات زبانشناسی، انتشارات راهنما، تهران، ۱۳۷۱.
- Cristal, D. ( 1992 ). *An Encyclopedic Dictionary of Language and Languages*. Oxford: Blackwall.
- Keshavarz, Mohammad Hossein (1994). *Contrastive Analysis & Error Analysis*: Rahnama, rahnama.
- Katamba, F. ( 1993 ). *Morphology*. London: Macmillan Press Ltd.
- Richards, J. & J. Platt & H. Platt. ( 1992 ). *Dictionary of Language Teaching & Applied Linguistics*. London: Longman
- Yule, G. ( 1996 ). *The Study of Language*. London: Cambridge University Press.